

الیکارشی

یا

خاندانهای حکومتگرایان

-۳-

خاندان فیروز

-۲-

عبدالحسین میرزا فرمانفرما

کابینه ضد بیطرفی

عین الدوله با آنهمه نقاط ضعف ملی آماده همکاری با خارجیان نشد، بنابراین روس و انگلیس هر دو نسبت به نخست وزیر عبدالحسین میرزا فرمانفرما ابراز تمایل کردند، کابینه :

(Condominium) یعنی کابینه ضد بیطرفی روی کار آمد، نخست، اموریت او ایجاد اختلاف بین ملیون بود. احمدشاه را متقاعد ساخت از ترك تهران و تغییر پایتخت منصرف شود، بین مستوفی الممالک و مهاجران



جدایی افتاد. سالار لشکر پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما دزد دورۀ مظفری

فرمانفرما به‌عنوان جاسوس در مقام ریاست ستاد مهاجران در دولت ایکس مایون در کرمانشاه به ایجاد نفاق و فساد پرداخت که خواهیم دید نتیجه عملیات اخلاص گرانه او چگونه بر نامه ملین برستان ضد بیگانه را تغییر داد .
 این کابینه بیشتر روابط فرمانفرما را با انگلستان مستحکم ساخت چه او میدید که تزاریسم دارد سرعت جای خود را به (کمونیسم) میدهد .
 کابینه فرمانفرما چندان نتوانست روی پای خود بایستد بدلایلی که در این جزوه جای تشریح نیست کابینه او سقوط کرد .

جنبش ملی جنوب

جنبشی بزرگ و همه جانبه در فارس بوجود آمده بود و وطنپرستان واقعی بر جنوب چیره شده بودند حاکمیت بر خلیج فارس که از نظر دیپلوماسی انگلیس (برابر تسلط بر خاور میانه بود) (۱) استعمار را بر آن داشت هر چه زودتر دست بکار شود .
 برآستی اوضاع جنوب برای انگلستان بسیار ناگوار و ناراحت کننده شده بود مردمی که سالها چشم تلخ سیاست استعماری را کرده بود ناگهان احساس کردند خلائی بوجود آمده است بهتری نمیتوانند نفس بکشند سبب اصلی این هوای آزاد پیدایش جنگ جهانی و فعالیت مأموران ضد انگلیسی : آلمانها و افسران وطنپرست ژاندارمری و سوتدیها و گروهی از سران غیور و دلور فارس مانند ناصر دیوان کازرونی ، خضر خان تنگستانی ، شیخ حسین چاکو تاهی ، میرزا محمد برازجانی ، صولت الدوله - قشقائی ... بود . سرعت تمام این نیروها دست بدست هم دادند اقلیم پارس را از وجود ناپاک دشمنان استقلال و آزادی ایران پاک کردند . بانك شاهی تعطیل کنسولگری انگلیس اشغال شد ، غلامعلی نواب نایب کنسول به کیفر خیانت دیرین خود و خاندانش رسید ، بدست مردمیکه بقول سایکس (خردو بزرگ باقمه و قدره چوب و چماق علیه انگلستان قیام کرده بودند) (۲) کشته شد عمال و مأموران سیاسی بریتانیا اسیر گردیدند ، قوام‌الملک (حبیب‌الله خان قوام شیرازی) متواری و به بندر عباس پناهنده شد .

۱- بوری صفحه ۱۹۶ و ۲۲ . ۷ . ابديت ايران صفحه ۴۹۳

۲- فعالیت‌های جاسوسی و اساموس

در جهان پر جنجال سده بیستم و در داغترین روزهای درگیری جنگ جهانی و دردنیای بی‌خواه نیروهای ملی و حق طلب که امپریالیسم سیاه و تزاریسم و حتی عثمانیها کشورها را عرصه تاخت و تاز و کانون آزمندی‌های سیاسی خود قرار داده بودند گروهی از رشیدترین افسران و وطنپرست‌ترین جوانان و پر ایمان‌ترین عشایر و دلاورترین روشنفکران دست بدست هم دادند علیه مداخلات و اشغال نظامی میهن از طرف بیگانه دست‌به‌پیکار خونین زدند، در برابر تجهیزات کامل و آتشبار توپخانه‌های دشمن چنان حماسه مقدس ملی پدید آوردند که حتی دشمنان خود زبان بستایش‌ آنان پرداختند، حماسه آنان را (مافوق‌تصور) خواندند. (۱)

شوریدگان حق‌طلبی مانند واسموس آلمانی همه عمر با آنان پیوستند در برابر ایمان و اخلاص، پاکی و مردانگی زندگی خود را با ماجراها و رویداد های دشوار و طاقت‌فرسای انسانی باختند.

انگلستان وقتی دید از کاپیتان‌ها و مازورها کاری ساخته نشد سر یازان و پادگان‌های موقت کاری از پیش نبردند، استاندار فارس را بر کنار کرد، یک ژنرال کارآمد و یک پیرعامل بیگانه را به فارس فرستاد، تا این‌دو با نقشه‌برداری و Lord Lansdown وزیر امور خارجه بریتانیا شمله‌های مقدس ملی را خاموش سازند، باردیگر فارس را بتاریکستان استعمار فرو برند.

نقشه بیگانه

در اینچنین شرایط که مهمترین پایگاههای استعمار در ایران از دست رفته بود داوینیک استریت‌نفت زبردستترین و مطمئن‌ترین مأموران خود را برای بازگرداندن نفوذ از دست رفته در جنوب ایران برگزید، با پشتوانه (زروزور) روانه ایران کرد.

ژنرال سایکس که در جنگهای افریقای جنوبی و قصابی استقلال طلبان بوئرها آزمایش خوبی داده بود. اقامت طولانی در کنسولگری کرمان و سیستان و مشهد و مسافرتها و مطالعات، او را بعنوان یک عامل جدی و فعال انتلیجنس سرویس معرفی کرده بود ناگهان در ژانویه ۱۹۱۶ از طرف مقامات انگلیسی به فرماندار نظامی سوئامپتون و ژنرال کنسول جدید ترکستان چین ابلاغ شد خود را به دهلی رساند.

ژنرال سرپرسی سایکس با تعلیمات لازم و اجازه تشکیل پلیس جنوب و
استعمار در مارس همان سال در بندر عباس پیاده شد تا بقول میروشینکف
ایران را تبدیل بیک مستعمره انگلیسی کند . (۱)

سایکس نیاز به استاندار ایرانی نام ولی خدمتگزار مورد اعتماد استعمار
داشت تا متفقاً باردیگر گلستان شیراز را که پس از سالها خزان استعمار جامعه
انسانی و سیاسی آن عطر و رنگ گلهای طبیعی خود را بدست آورده بود تبدیل به
خارستان استعمار سازد، گماشتگان ارباب ... را بر مردم چیره کند .

هیچکس بهتر از فرمانفرما واجد شرایط لازم برای گزینش استانداری
فارس و همکاری با سایکس نبود .

پیش از اینکه خود شاهزاده آگاه از این مأموریت گردد سایکس که با
ادبیات ایران آشنائی داشت با چنین تلگرافی باو مزده چنین پست خوبی را
می دهد :

بیابخرمی بر روی تخت جم بنشین که من دواسبه بیایم برای دیدارت
سایکس برای اینکه ظاهراً حرمت والی را نگهدارد و باطناً قول و قرار
های تازه را با او بگذارد ، خود با استقبال فرمانفرما در اصفهان شتافت
استاندار فارس بهمرام رئیس پلیس جنوب و آرد شیراز شد .

سرهنگ گیبودیس نایب قنصل از او پیشواز کرد، باو خیر مقدم گفت .
با ورود او مراکز جاسوسی و آنتریک باز شد، خود وی در ۲۱ ذی حجه در
مراسم باز شدن قنصلخانه و بالارفتن پرچم ارباب شرکت کرد . (۲) این بود
پیش درآمد کار کسیکه او را برای استانداری فارس برگزیده بودند .

یک ژنرال انگلیسی بحسب وظیفه سیاسی و یک ایرانی دو سال دست بدست هم
دادند هزاران نفر از بهترین جوانان وطن ما را که سرخترین و پر بوتترین گلهای
صحرائی شیراز بودند پرپر کردند . روستاها را ویران ، خانهها و چادرهای
عشایر را با تش کشیدند و حتی بزنان و بچهها رحم نکردند و چون قشون چنگیز
حتی کتابخانه ها را غارت نمودند . اسناد خطی و نفیس و تابلو ها را از
بین بردند .

فرمانفرما با زر و زور سراغ مردم رفت ابتدا لیرهها را به بزگان

۱- ایران در جنگ جهانی اول صفحه ۱۰۸

۲- رهبران مشروطه ایران صفحه ۴۰۴

وسران عشایر و افسران نشان میداد و همینکه میدید با پول نمیتوان آنان را به زدوری گرفت و برده را باب کرد با توپ و توپخانه با پلیس انگلیس خرمن هستی آنان را بیاد نیستی میداد.

در این وجیزه نمیتوان شرح حماسه مقدس ملیون و فجایع بیگانگان و جنایات فرمانفرما را یاد کرد، فقط اجازه بدهید با ذکر چند سطر از تاریخ این تراژدی ملی آغاز و فرجام یابد.

منتصر الملك (۱) اظهار داشت که از طرف حضرت والا فرمانفرما آمد مام تاباشما در خصوص اصلاح و ترک مخصوصه با انگلیسها مذاکره کنیم آیا حاضرید یا خیر؟ **صولت الدوله** پاسخ داد:

اولا من بنا با مرد دولت متبوعه خود برای جنگ با اجنبیهای متعددی (۲) آمدهام، علت هم این بوده که آنها قدم بر زمین ایران گذاشته و فارس را تحت نفوذ رسمی خود در آورده قشون تشکیل داده و بوطن من تجاوز کرده و بهموطنانم توهین کرده اند.

منتصر الملك رو را بر سر دار عشایر کرده اظهار داشت انگلیسها عجالتاً مبلغ یکصد هزار تومان بشما میپردازند امنیت راه را از حد و داصفهان تا بوشهر بمده شما میگذارند بهلاوه دوهزار قبضه تفنگ و چهار عراده توپ بزرگ هم برای انتظامات بشما میدهند اگر این پیشنهاد را قبول دارید بفرمائید بحضرت اقدس خبر دهیم در دنباله این پیغام باز با تهدید و تطمیع میافزاید (امر و زول عظیمه در مقابل این دولت بعضی آمده اند و آخر خواهید دید که در این جنگ دولت فقیمه انگلیس بر آلمان و سایر دول متخاصم فایز خواهد آمد.

اگر از من میشنوید دوست هزار لیره نقد و ماهیانه ده هزار تومان و تفنگ و فشنگ بحد کفایت بشومی دهند که فقط جنگ را متارکه و بیطرفی اختیار کرده راه شیراز و بوشهر را امنیت دهید. بهلاوه ژنرال سایکس قول میدهد که پلیس جنوب از شیراز خارج شود. (۱۰)

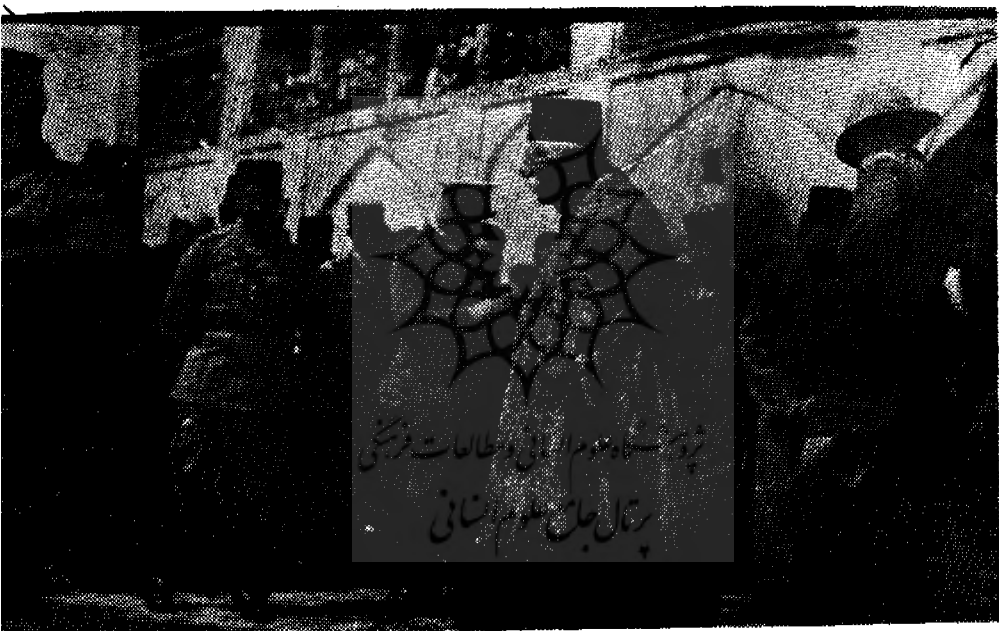
همین که تیرشان از اینراه بسنگ خورد فرمانفرما، سردار احتشام برادر صولت الدوله را میفریبید بنوشته کریستوفر سایکس، فرمانفرما،

۱- منتصر الملك داماد قوام الملك بود.

۲- مستوفی الممالک پلیس جنوب را يك نیروی تجاوزگری بیگانه معرفی کرده بود (تحولات سیاسی نظام ایران صفحه ۲۱۹)

با حضور ژنرال سایکس و کلنل کاف قوام‌الملك برادران صولت الدوله سردار احتشام ایلخانی و علیخان سالارحشمت را ایل بیگی ایل قشقایی میکند، صولت الدوله را برکنار میسازد (۱) این چنین یکی از جناح‌های نیرومند و رزمجوی ضد انگلیسی را متلاشی میسازد.

ناصر دیوان گازرونی و جناح پیشناز و آشتی ناپذیر دلبران تنگستانی با دلپاکی و دلاوری بیشتر در برابر یورش‌های کمپانی خیانت‌پایداری می‌کردند. مردم بقدری از انگلیسها نفرت داشتند حتی وقتی ملیون دچار شکستهای فاحش میشدند روستاها اشغال می‌گردیدند (احدی را مشاهده نمی‌کردند هر چه تفحص مینمودند کسی را نمی‌یافتند معلوم میشد اهالی... بلااستثنا خانه و زندگی خود را رها کرده بمناک‌های کوه پناهنده شده‌اند... قریه مجاور نیز همین حال را داشت فرمانده ستون که وضع را چنین دید بیابگاه مرکزی خود مراجعت نمود (۲).



فرمانفرما در میان پلیس جنوب

- ۱- فارس و جنگ بین الملل صفحه ۹۲ و ۹۴
- ۲- فارس و جنگ بین الملل صفحه ۱۱۶ - کتاب فعالیت‌های جاسوس و اسوس... صفحه ۱۹۸ برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به تاریخ سیاه یا حکومت خانواده‌ها در ایران جزوه قشقایی.

با اجازه خوانندگان باز از تاریخ و نویسنده ای که شاهد این وقایع بوده است این تراژدی و مأموریت خیانت آمیز فرمانفرما را مقرأض میکنم (باردیگر در مسجد نوهیا هوپاشد و توسط عظام الملك بفرمانفرما پیغام دادند که دولت ایران سابقاً اخطار کرده است که قفون جنوب از طرف دولت ایران نیست و رسمیت ندارد حضرت والا هم مزول هستند و باید تشریف ببرند ما را از بلاهای گوناگون که از بدو ورودتان بما هجوم آورده نجات بخشید اهلای فارس از قحطی مصنوعی فرزدند و باعث اصلی شما و انگلیسها هستید وجود قشون هندی در شیراز تولید امراض را موجب شده و باید فوری بروید و اگر نرفتم آ آنها را با اسلحه بیرون می‌کنیم (۱) .

بهرتر است این نکته را از زبان خود فرمانفرما بازگو کنیم: بر اثر بیماری‌های ناشی از این جنگها نصف مردم شیراز بسا داس مرگ درو شدند. ولی دولتیمان و فرمانفرما کار جنایت را بدانجا کشاندند که ازدادن کفن بمردگان خودداری می‌کردند. (۲)

نشان ستاره هندی

فرمانفرما با این اعمال خیانت آمیز مشعل فروزان جنبش مقاومت ملی مردم فارس را فرو نشاند، در نتیجه این خوش خدمتی وزارت امور خارجه انگلستان و حکومت هند فرمانفرما را مورد قدردانی قرار داد، وی که (پرچمدار جدی منافع انگلستان در ایران شناخته شد (۳)

و با سخنرانی در حضور پلیس بیگانه ابراز خوشنودی کرد (۴)
حبیب‌اله مختاری (مختار السلطنه) در این مورد چنین مینویسد (دولت انگلستان پس از انتظامات و امنیت! جنوب ایران برای قدردانی استنادار فارس با تشکیل جشن بزرگی یکی از نشان‌های اولیه خود را که نشان ستاره هند باشد

۱- فعالیت‌های جاسوسی و اسموس... صفحه ۲۰۴

۱- فارس و جنگ بین الملل جلد ۲ صفحه ۱۱۳

۲- تاریخ ایران سایکس صفحه ۷۸۴

۳- مقاله شهاب الدوله رئیس تشریفات دربار سلطان احمد شاه قاجار

سالنامه دنیا دوره ۱۳ صفحه ۶۱

۴- تاریخ ایران سایکس صفحه ۷۳۹

به شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما اعطا نمود (۱)

با خروج قوای انگلیس و تمام شدن روغن چراغ استعمار دیگر فارس جای فرمانفرما نبود، مردم دست بتظاهرات پیایی برای فراخواندن فرمانفرما زدند، بجای او دکتر مصدق استاندار شد.

گروهی از خوش بینان گمان میکردند نظر انگلیسها با خروج از ایران حفظ استقلال و تمامیت ایران است بیخبر از این که اندیشه خبیث آنان اوج گرفته بیشتر گسترش یافته بود آنان خود را فاتح دنیا میدانستند بنا بر این طرح (انگلیسی کردن فارس) تبدیل (انگلیسی کردن ایران) شده بود.

این بار بجای سایکس، (ادوارد گری) و بعوض فرمانفرما پسرش نصرت الدوله مأمور اجرای قرارداد بردگی ۱۹۱۹ شده بود در انگلستان اگر خدمتگزاران شایسته و ارزشمند برجای خود نمیفانند مردان برجسته تر جای آنان را میگیرند مانه تنها دست از خاندان فیروز بر نداشتیم خود فرمانفرما نیز بتهران شفافیت افروزند خلف خود را در کابینه دوم وثوق الدوله یاری و یآوری کند.

احمد شاه مخالف فرمانفرما

قرارداد تنگین ۱۹۱۹ خشم تمام انسانهای باسرف و وطنپرست رادر جهان از ویلسون رئیس جمهوری امریکا تا ایرانیان جدا افتاده شهرهای ترکستان برانگیخت، در نتیجه طرح دیگری پیش کشیده شد.

با تلاشهای پی گیر نصرت الدوله در قبولاندن قرارداد و کشاندن شاه بانگلستان و خصوصیت وی بالرد کردن و سابقه خدمت گزاری ممتد پدرش به امپریالیسم سیاه، همه گمان میکردند این بار باز یگر بیرقیب میدان سیاست ارباب، نصرت الدوله خواهد بود.

درست در روزهای حساس اواسط سال ۱۲۹۹ که نصرت الدوله با دستیاری کمیته زرگنده سازمان انگلیسی ایران خود را برای فرمانروایی مطلق العنان آماده میکرد در لندن نیز ظاهراً کارها مطابق دلخواه او پیش میرفت فرمانفرما نیز میکوشید اوضاع ایران را بهمین منوال برای فرزندش نگاه دارد، فرمانفرما خود را در یک قدمی مسند نخست وزیر رسیده بود و میخواست جای سیه دار اعظم (فتح الله اکبر) قرار گیرد ولی احمد شاه زیر بار نمیرفت (۲).

۱- تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۲۹

۲- حیات یحیی جلد ۴ صفحه ۲۱۳

در تهران از چند سو برای کودتای ۱۲۹۹ فعالیت میشد که همه فکر میکردند نصرت الدوله پسر فرمانفرما بخاطر روابط نزدیک با لرد کورن وزیر خارجه انگلیس از دیگران پیش است ولی سیاستمداران بریتانیا با حضرت والا مخالف بودند از اینرو نورمان وزیر مختار انگلیس در تهران تمام کوششهای خاندان فیروز را عتیم کرد، سید ضیاءالدین همکار کمیته زرگنده نصرت الدوله از رقیش پیشی گرفت، تهران بتصرف کودتاچیان درآمد، فرمانفرما با تان دوفرزند خود (سالار لشکر و نصرت الدوله) روانه زندان شدند.

امیل لزوئور فرانسوی که در این زمان در تهران میزیست و استاد مدرسه عالی حقوق بود و خود از نزدیک حوادث کودتا را بچشم دیده است شخصیت سیاسی فرمانفرما را باوصف (فرمانفرمای آنکلوویل) معرفی می کند و سپس درباره بازداشت او چنین مینویسد: (اکنون بریتانیای کبیر دوستان قدیمی خود را رها کرده شاهزاده فرمانفرما که شواهد بیحد و حصری از وفاداری خود بانگلستان نشان داده یکی از ارکان سیاست آندولت در جنوب بشمار میرفت با پسرانش زندانی کرده به قلعه قصر قاجار فرستاده است... گفته میشود چنانچه پول هنگفتی که از او میطلبند نپردازند گیش در خطر خواهد بود) ولی در پستی دیگر سبب قهر بیگانه را چنین توجیه میکند: (اینان نوکران قدیمی و صندوقچه اسرار سیاسی انگلستان در ایران هستند، مأموریت آنان سرآمده است نباید هم زنده بمانند (۱))

گروه زیادی چون ملك الشعراء بهار ... باین بازداشت جنبه مالی داده اند ولی بنظر نگارنده این عمل بیشتر جنبه عقیدتی و فکری و تاحدی سیاسی داشت. لازمه يك حکومت قوی و چیرگی يك رژیم، نابودی نفوذهای کوچک و نوکرهای پائین تراست با بودن سید ضیاءالدین دیگر نیازی به فرمانفرما و نصرت الدوله عین الدوله و سپهسالار ... نبود، بخصوص فرمانفرما و نصرت الدوله اگر آزاد باشند آسوده نخواهند نشست، وانگهی کودتاچیان که از توده مردم بودند چندان خوششان از (الیکاشی ایران) نمی آمد.

بهار در این مورد مینویسد. (شاهزادگان و هم درباریان و شاهزاده خانمها برای استخلاص فرمانفرما و عین الدوله نزد شاه میرفته ... شاه راجع باستخلاص بعضیها بسید توصیه کرد، سید زیر بار نرفت و شاه رنجید!) (ناتمام)